

## سخن مترجمان

کتابی که در پیش رو دارید یکی از معدود کتابهایی است که منحصراً و به طور جامع از چشم‌اندازی زبان‌شناختی به بررسی روایت می‌پردازد. این بررسی از جنبه‌های مختلف ادبی، اجتماعی و سیاسی صورت گرفته است و علاوه بر این تاریخچه‌ای دقیق و مفصل از مطالعات این حوزه در اختیار خواننده می‌گذارد. کتاب به لحاظ محتوا به دو بخش تقسیم می‌شود: روایات ادبی و روایات غیرادبی. کتاب در فصول مربوط به روایات ادبی، با مهارت و ریزبینی خاصی در مرز دشوار بین زبان‌شناسی و ادبیات گام برمی‌دارد بدون آنکه در ورطه یکسونگری و جانبداری فرو غلتد. در فصول مربوط به روایات غیرادبی، چشم‌اندازی امیدبخش از کارایی و توانمندی ابزارهای زبان‌شناختی در تحلیل روایات اجتماعی و سیاسی ارائه می‌شود.

حوزه‌های میان‌رشته‌ای «روایت‌شناسی»، «زبان‌شناسی و ادبیات»، «زبان‌شناسی اجتماعی»، «زبان‌شناسی حقوقی» و «زبان‌شناسی سیاسی» در کشور ما حوزه‌هایی نوپا و جدیدند. از این‌رو، ضرورت ترجمه کتابی که مقدمات ورود به این حوزه‌ها را فراهم کند، بر صاحب‌نظران پوشیده نیست. مترجمان امید داشته‌اند که این ترجمه نقطه آغازی برای ادامه تحقیق بیشتر به دست دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به چنین حوزه‌هایی باشد.

ترجمه حاضر همچون هر ترجمه دیگر با دشواریهای بسیاری روبه‌رو بوده است به‌خصوص به این دلیل که در این کتاب تأکید اصلی بر «زبان» و «ابزارهای زبانی» روایات است. مترجمان کوشیده‌اند تا آنجا که ممکن است برای عبارات و اصطلاحات متن اصلی معادلی مناسب و گویا در زبان فارسی بیابند، معادلی کلاً دقیقاً همان کاربرد زبانی را منعکس کند. در مواردی که یافتن این معادلها ممکن نبوده یا از دانش مترجمان خارج بوده است، توضیحاتی در پانویس آورده شده است. بی‌شک نظرات و پیشنهادات خوانندگان در رفع کمبودها و کاستیهای ترجمه راهگشا خواهد بود.

در تحقق این ترجمه اساتید و صاحب‌نظرانی ما را یاری داده‌اند که قلم ما از قدردانی و سپاس‌گزاری از آنها قاصر است. در ابتدا بر خود فرض می‌دانیم از دکتر علی محمد حق‌شناس استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران و پژوهنده در زمینه‌های نظری نقد ادبی از صمیم قلب سپاس‌گزاری کنیم. هم در کلاس درس و هم در جلسات مشاوره از رهنمودهای سودمند و راهگشایشان برخوردار بوده‌ایم. کمکهای بی‌دریغ این استاد گرانقدر در معادل‌یابی واژه‌های دشوار و اشتیاق وافر ایشان برای به ثمر رسیدن این ترجمه، همواره بهترین مشوق ما بوده است. این ترجمه را بدیشان تقدیم می‌کنیم. همچنین از دکتر ارسلان گلغام استاد زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه زبان‌شناسی در انتشارات سمت که تشویق و راهنماییهای مداوم ایشان این ترجمه را هم ممکن ساخته و هم به انجام رسانیده است، کمال تشکر و قدردانی داریم. دکتر فردوس آقاگلزاده مدیر گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و استاد حوزه زبان‌شناسی و ادبیات مشوق و راهنمای ما در به انجام رساندن این ترجمه بوده‌اند و ما را در رفع مشکلات ترجمه یاری نموده‌اند. سپاس فراوان خود را به ایشان تقدیم می‌کنیم. از اساتید بزرگوارمان در دوره تحصیل دکتر علی افخمی استاد محترم گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران و سرکار خانم دکتر فریده پورگیو استاد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شیراز که درسهای علمی و عملی بسیار از ایشان آموخته‌ایم و همواره وامدار لطف و بزرگواری‌شان هستیم، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم. خانم مریم جابر

ویراستار محترم انتشارات سمت بخشی از کار ویرایش را به عهده گرفتند و آن را به بهترین وجه به انجام رسانیدند. از ایشان از جان سپاس گزاریم. از خانم معیری مسئول گروه زبان‌شناسی سمت و همچنین تمامی کارکنان زحمتکش بخش تدوین و ویرایش انتشارات سمت کمال تشکر و قدردانی را داریم. سرانجام از خانواده‌هایمان، به‌ویژه پدر و مادر گرامی‌مان، به خاطر صبر و حوصله، حمایت روحی و اشتیاقشان برای به ثمر رسیدن این ترجمه از صمیم قلب سپاس گزاریم.

### پیشگفتار

روایت در همه جا هست و نقشهای مختلف بی‌شماری در تعامل انسانی ایفا می‌کند؛ بنابراین حوزه تحقیق این کتاب باید با دقت بسیار مشخص شود. همان‌طور که از عنوان فرعی اثر حاضر برمی‌آید، هدف من نوشتن درآمدی انتقادی است و امیدوارم که این درآمد واقعاً انتقادی واقعاً مقدماتی باشد؛ به بیانی باز هم دقیق‌تر، این درآمد انتقادی به طور مشخصی به چشم‌اندازهای زبان-بنیاد یا زبان‌شناختی درباره روایت می‌پردازد که عبارت‌اند از: روشهای بررسی روایت که به طور منظم به زبان داستانها می‌پردازد و الگوهای تحلیل روایت که تمرکز آنها بر صورت زبان‌شناختی روایتها یا ساختار قابل توصیف آنها از منظر زبان‌شناسی است. دلیل اصلی چنین تأکیدی این باور است که بررسی تحلیلی و نظام‌مند منطق و پویایی رفتار زبانی می‌تواند بر هر حوزه فرعی یا شیوه رفتار زبانی پرتو افکند. شیوه‌ای که در اینجا مورد توجه قرار گرفته روایت است.

چه عاملی باعث می‌شود روایت چنین پدیده فراگیر و جذابی باشد؟ و چه کسی می‌تواند به چنین سؤالی پاسخ دهد بدون آنکه روایتی از آن خود آغاز کند؟ چنان‌که جمله آغازین من نشان می‌دهد حقیقت این است که روایت در همه جا هست یا بالقوه چنین است. هر کاری که انجام می‌دهیم، از مرتب کردن تخته‌خواب تا درست کردن صبحانه تا دوش گرفتن (و توجه کنید که چگونگی ترکیب اینها - با هر ترتیبی - روایتی چندرویدادی می‌سازد) می‌تواند به منزله روایت، دیده، قالب‌ریزی و بازگو شود - روایتی با میانه و پایان، شخصیتها، زمینه<sup>1</sup>، ماجرا<sup>2</sup> (مشکلات برطرف‌شده)، تعلیق<sup>3</sup>، راز<sup>4</sup>، «جنبه انسانی» و نتیجه اخلاقی (می‌توان نتیجه اخلاقی<sup>5</sup> داستان صبحانه درست کردن را به این صورت بیان کرد که «تستر را هنگام پخت هلیم تمیز نکنید»). از چنین روایات کوچک و بزرگی بیشتر درباره خود و جهان پیرامونمان می‌آموزیم. ساختن، درک و سپس از یاد نبردن یک روایت، فهمیدن چیزهایی است که خود به درک چیزهای دیگر کمک می‌کنند.

میزان فراگیر و مهم بودن روایت‌های شفاهی و کتبی در زندگی ما فقط وقتی به طوری خیره‌کننده روشن می‌شود که دیگر به اشکال روایت که بدانها وابسته‌ایم به‌عنوان تکیه‌گاه و منبع الهام نیندیشیم. این اشکال عبارت‌اند از: زندگی‌نامه و زندگی‌نامه شخصی، متون تاریخی، گزارشها و مقالات خبری در بسیاری از رسانه‌ها،

1. setting

2. drama

3. suspense

4. enigma

5. moral

نامه‌های شخصی و خاطرات، رمان، داستان جنایی، داستان عاشقانه، پیشینه پزشکی، سوابق تحصیلی، سوابق شغلی، گزارشهای پلیسی از «حوادث»، گزارشهای عملکرد سالانه و مهم‌تر از همه، داستانهایی که در طول زندگی روزمره درباره خود و دیگران می‌گوییم - مشتمل بر داستانهای کامیابی و ناکامی، لذت و درد. اینها فقط برخی از مواردی‌اند که از لحاظ صورت و نقش آشکارا روایت‌اند و به زندگی ما شکل می‌دهند.

اما می‌توانیم بسیاری از مشغله‌های ذهنی دیگر را در نظر بگیریم که به منظور فهمشان، آنها را «به صورت روایت در می‌آوریم». دانشجویان حقوق که در فهم و حفظ پیامدهای قانون مربوط به دزدی می‌کوشند نیز می‌توانند به‌عنوان یک روند مفهوم‌سازی، قانونها را در قالب داستان پیش‌رونده‌ای بریزند که تبعیت یا سرپیچی از سنت و بازنگریهای قانونی به آن شکل می‌بخشد. کل قانون جزا را نیز می‌توان به شکل داستانی قابل بازنگری در نظر آورد: داستان رفتارهای ناروای اجتماعی و روشهای اصلاح موجود هنگامی که این رفتارها بروز می‌یابند. این «داستان قانون» همه‌جانبه، شمار نامحدودی از رویدادهای مشخص‌تر (واقعی و فرضی) را با پیامدهای محتمل ولی بحث‌انگیز دربر می‌گیرد: اگر این کار را در آن موقعیتها انجام دهید، در معرض چنین و چنان مجازاتهایی قرار می‌گیرید.

علم نیز ممکن است در نگاه اول بسیار متفاوت از روایت به نظر آید. ما اغلب علم را منبع فزاینده‌ای از حقایق تردیدناپذیر، یا به عبارتی گنجینه مقدس دانش عینی درباره چگونگی عملکرد پدیده‌های جهان، می‌دانیم: این توصیف غنی اما ایستا از «داستان‌گویی» کاملاً دور است. با این حال، چنین برداشتی هم در نظریه و هم در عمل خطاست. از لحاظ نظری تأکید بر تحقیق علمی به منزله روایت در حال تکوین و اصلاح‌پذیر اکنون مسئله‌ای عادی است (و با تجدید نظرهایی که در پایه‌های عقلی آن صورت گرفته است این گزارش بازنگری شده، قدرت توصیفی و توضیحی بهتر و عمومیت‌پذیری بیشتری را به همراه می‌آورد). و از لحاظ عملی نیز فقط باید به چگونگی تدریس علوم در مدارس اندیشید تا اهمیت روایت را در فهم ملاحظه کرد. برای مثال، در مدارس ابتدایی می‌توان مفاهیم سوخت، انرژی و کار را از طریق داستان‌گویی درباره خوردن صبحانه قبل از جست‌وخیز کردن و سوخت‌گیری ماشین قبل از سفر طولانی تدریس کرد. اگر کودک معنی این داستانها را نفهمد و روابط منطقی بین مراحل هر داستان و نیز شباهتهای قیاسی بین داستانها را درک نکند، مفاهیم مورد نظر را نخواهد فهمید. نحوه ارائه دروس در دبیرستان ممکن است رسمی‌تر یا نظری‌تر باشد، اما روشهای روایی همچنان ادامه می‌یابند. برای نمونه، هر کار آزمایشگاهی فیزیکی، شیمی یا زیست‌شناسی داستانی طرح‌ریزی شده و هدایت شده است که دانش‌آموز شرکت‌کننده اصلی آن است. آزمایش آزاد شدن هیدروژن در هنگام ترکیب براده‌های مس با اسید سولفوریک، برای معلم و دستیار آزمایشگاه داستانی بسیار قدیمی است (اوه، آنها دیگر آن را به این صورت انجام نمی‌دهند!). اما برای کودک داستانی جدید یا روایتی از تجربه اجباری و شخصی است که نتیجه اخلاقی آن را باید بیاموزد. پس از آن باید شرح این آزمایش را در وجه مجهول<sup>1</sup>، که علائق انسانی را نادیده می‌گیرد، «بنویسد».

اگر مطالب بالا یادآور این باشد که روایت شیوه‌ای است که می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم درباره تقریباً هر جنبه‌ای از فعالیت انسانی گزارش دهد، اکنون باید تأکید کنم که تقریباً تمام فصول آینده به

<sup>1</sup>. passive voice

روایت در مفهومی محدودتر می‌پردازند: روایات ادبی، قصه‌های عامیانه، داستان‌هایی به نقل از کودکان و برای کودکان، روایتهای شفاهی گنجانده‌شده در گفتگوها و داستانهای خبری رسانه‌ها. بین این انواع داستان شباهتهایی زبان‌شناختی وجود دارد که امیدوارم همسانی آنها تفکربرانگیز باشد، نه ملال‌آور و همچنین تفاوت‌هایی زبان‌شناختی نیز وجود دارد که آن قدر مهم نیستند تا ناهمگنی مهارناپذیری را باعث شوند.

ویرایش دوم شامل بازنگریها و دگرگوییهای جزئی، و چند حذف و اضافه یا بسط می‌شود. توضیحات مفصل، به تناسب حجم کتاب و با توجه به برآوردن این شرط که درباره هر موضوعی مطالب زبان‌شناختی و مقدماتی مناسبی گفته شود، کنترل شده‌اند. بخشهای کاملاً جدید عبارت‌اند از: روایی بودن (3-1)، شیوه‌های روایتگری (7-3)، تعلیق و تحیر (7-4)، روایت فیلم (8-4)، کاربرد نظریه‌های لب‌او در ادبیات (6-11)، گونه‌های داستانی نظام‌مند (6-7)، ساختار و تحلیل داستانهای خبری مهم چاپ‌شده و اینترنتی (2-8 تا 4-8، 6-8) و جنسیت (7-8) هستند. همه بخشهای مطالعه بیشتر و توضیحات و تمرینها در پایان هر فصل کاملاً بازنگری و روزآمد شده‌اند.

از طرف دیگر، گاهی تحلیل‌های روشنگر خاصی از ویرایش اول را حفظ کرده‌ام حتی جاهایی که این تحلیلها از رویکردهایی استفاده کرده‌اند که در سالهای اخیر بیشتر بسط یافته‌اند. کار جدید اغلب بر پایه کار قبلی بنا شده است، به طوری که کار قبلی همچنان مهم واقعاً مقدماتی باقی بماند.

در فصول آینده، به‌خصوص فصول اولیه و ادبی‌تر، ارائه و بحث الگوها و نظریه‌ها اغلب مستلزم ارجاع مبسوط به یک یا چند متن ادبی مشهور بوده است که آنها را به‌عنوان نمونه در نظر گرفته‌ام. بنابراین بهترین روش خواندن این فصول به خاطر داشتن دقیق این روایتها و نیز دسترسی به آنها برای مراجعه مستقیم است. این مجموعه خاص شامل داستانهای زیر می‌شود: «اولین» و «مرده» از کتاب دوبلینیها، نوشته جیمز جویس؛ «آن خورشید شامگاهی» و «انبارسوزی»، نوشته ویلیام فاکنر؛ «خوشبختی»، نوشته کاترین مانسفیلد و پنین اثر ولادیمیر ناباکوف. درباره بسیاری از روایات کوتاه و بلند، شفاهی و کتبی، ادبی و غیرادبی دیگر در طول کتاب بحث خواهد شد، اما شش روایت ذکر شده ربط خاصی با پنج فصل اول دارند.

در یک درآمد زبان‌شناختی به‌ندرت می‌توان از کاربرد گاه و بیگاه کلمات فنی اجتناب کرد. این امر در آغاز ممکن است برای افرادی که واحدهای زبان‌شناسی را نگذرانده‌اند ناخوشایند باشد. من کوشیده‌ام حداقل زبان فنی ممکن را به کار ببرم و اصطلاحات را هنگام ارائه بحث توضیح دهم.